

جایگاه قرآن در سیره علمی و عملی امام رضا(ع)

امام رضا(ع) در طول زندگی پربرت خویش با هر فردی به فراخور حالش سخن گفته‌اند و با رعایت آداب الهی و اقتضای برخورد کریمانه، متناسب با برخورد افراد، رهنمودهای قرآنی ارائه می‌دادند.



امام رضا(ع) در طول زندگی پربرت خویش با هر فردی به فراخور حالش سخن گفته‌اند و با رعایت آداب الهی و اقتضای برخورد کریمانه، متناسب با برخورد افراد، رهنمودهای قرآنی ارائه می‌دادند.

به گزارش خبرگزاری بین‌المللی قرآن (ایکنا)، مقاله «سیره قرآنی امام رضا(ع)» مقاله‌ایست از حجت‌الاسلام و المسلمین محمدجواد مروجی طبسی که پیش از این در شماره‌های 67 و 69 مجله فرهنگ کوثر به چاپ رسیده است. این مقاله را در ادامه می‌خوانید.

قرآن کریم کتابی آسمانی، وحی منزل، کلام خدا و راهنمای مؤمنان است. این کتاب آن قدر با عظمت و ارزشمند است. که آخرین پیامبر عهده دار تفسیر و تبیین آن شد و پس از وی اهل بیت: که عدل قرآن معرفی شده‌اند، عهده دار چنین امر مهمی شدند. امام رضا علیه السلام که یکی از همان مفسران واقعی قرآن بود، در طول زندگی پر برکتش عنایت بسیار ویژه‌ای به این راهنمای بزرگ داشته و علاوه بر استفاده‌ای که در بعد شخصی و فردی از آن داشته در ابعاد دیگر نیز بهره‌های فراوانی از این کتاب گرفته و به دیگران انتقال داده است. این نوشتار به ترسیم گوشه‌ای از سیمای قرآنی آن بزرگوار می‌پردازد.

قرآن در زندگی امام رضا(ع)

عشق فراوان امام رضا علیه السلام به کتاب خدا او را بر آن داشت تا نخست در زندگی فردی اش از آن بهره‌برد. نه زمان برای او مطرح بود و نه مکان و نه روز و شب که موارد زیر بهترین گواه این مدعا است:

ابودکوان عشق زائد الوصف امام رضا علیه السلام به قرآن کریم را این چنین توصیف کرده است:

حضرت هر سه روز یک بار قرآن را ختم می‌کرد و آنگاه می‌فرمود: اگر می‌خواستم زودتر از سه روز آن را به پایان برسانم، می‌توانستم «اما نخواستم چنین کنم». زیرا در موقع تلاوت به هر ایه که می‌رسیدم در آن فکر و اندیشه می‌کردم که درباره چه چیزی و در چه زمانی نازل شده است. بدین جهت در هر سه روز یک بار قرآن را به پایان می‌رسانم.[1]

قرائت قرآن در بستر خواب

عشق فراوان امام رضا علیه السلام به کتاب آسمانی او را بر آن داشت تا علاوه بر روز، در شب نیز قرآن بخواند و حتی آیات زیادی را در آستانه خواب و در رختخواب تلاوت می‌کرد.

رجاء بن أبی الضحاک که گزارشی از سفر امام داده چنین گوید:

امام به هنگام خواب در رختخواب خویش فراوان قرآن می‌خواند و هرگاه به ایه‌ای می‌رسید که در آن یادی از بهشت یا جهنم آمده بود، گریه می‌کرد و از خداوند بهشت را درخواست می‌نموده و از آتش جهنم به او پناه می‌برد.[2]

هزار ختم قرآن در یک پیراهن

شیخ طوسی در کتاب امالی به سند خود از علی بن علی فرزند برادر دعبل خزاعی نقل کرده که در سال 198 ق. همراه برادر دعبل خدمت امام رضا علیه السلام رسیدیم و تا پایان سال 200 ق. در محضرش اقامت داشتیم و سپس به قم رفتیم. بعد از آن که امام رضا علیه السلام به برادر دعبل پیراهن پشمینه سبز رنگی به همراه انگشتری که نگینش عقیق بود، هدیه کرد، همچنین به او درهم‌هایی که نام آن حضرت بر آن نقش بسته بود، مرحمت نمود و به او فرمود: ای دعبل به قم برو که در آنجا سود و بهره‌خواهی یافت. و به او یادآور شد: از این پیراهن به خوبی محافظت کن که من در این پیراهن هزار شب هزار رکعت نماز خوانده‌ام و هزار مرتبه قرآن را در آن ختم کرده‌ام.[3]

امام رضا علیه السلام در نمازهای واجب و مستحب در شب و روز از سوره های متنوع و گوناگونی استفاده می فرمود و قرائت می کرد.

رجاء بن أبی الضحاک که در سفر امام از مدینه تا مرو همراه آن حضرت بوده، در گزارشی مفصل به این مسأله اشاره کرده است:

امام رضا علیه السلام در اول ظهر شش رکعت نماز مستحبی می خواند که پس از سوره حمد سوره های یا ایها الکافرون و قل هو الله احد ر می خواند و در دور رکعتی که پس از نماز جعفر طیار می خواند از سوره های ملک و هل أئی استفاده می کرد. و همچنین در رکعت وتر سوره های قل أعوذ برب الفلق و قل أعوذ برب الناس را تلاوت می کرد.

و در نمازهای واجب خود پس از سوره حمد از سوره های انا انزلناه فی لیلة القدر و همچنین در ظهر جمعه سوره جمعه و سوره منافقین و در نماز عشاء در شب جمعه سوره سَبَّح و در نماز صبح روز دو شنبه و پنج شنبه در رکعت دوم پس از حمد سوره غاشیه را تلاوت می فرمود.[4]

اذکار امام پس از تلاوت برخی سوره ها

محدثان و راویان حدیث نقل کرده اند که امام رضا علیه السلام پس از تلاوت برخی آیات قرآنی و یا در پایان برخی از سوره های قرآن به طور آهسته یا بلند جملاتی را بر زبان جاری می کردند که بخشی از آنها را رجاء بن أبی الضحاک برای ما نقل کرده است.

وی می گوید: امام رضا علیه السلام در تمام نمازهای خود در شبانه روز بسم الله الرحمن الرحیم را بلند می گفت و هرگاه آیه قل هو الله أحد را تلاوت می کرد، پس از آن آهسته می گفت: الله أحد و هرگاه سوره توحید را به پایان می رساند سه مرتبه می فرمود: کذلک الله ربنا.

و اگر سوره جحد را می خواند آهسته می فرمود: یا ایها الکافرون، و وقتی از تلاوت سوره فارغ می شد می فرمود: ربی الله و دینی الاسلام.

و هرگاه سوره والتین والزیتون را تلاوت می کرد در پایان می فرمود: بلی و أنا علی ذلک من الشاهدین. و هرگاه سوره لاقسم بیوم القيامة را تلاوت می کرد در پایان می فرمود: سبحانک اللهم بلی. و به هنگام تلاوت سوره جمعه می فرمود: قل ما عند الله خیر من اللهو و من التجارة للذین اتقوا والله خیر الرازقین.

و هرگاه از سوره حمد فارغ می شد می فرمود: الحمد لله رب العالمین، و اگر سوره سَبَّح اسم ربک الأعلى. و نیز اگر به ایه یا ایها الذین آمنوا می رسید، آهسته می فرمود: لبیک اللهم.[5]

تکیه گاه کلام امام رضا(ع)

امام رضا علیه السلام در تمام زمینه ها و مسائل دینی و علمی و عقیدتی و فقهی از این کتاب آسمانی و این منبع پر فیض الهی کاملاً بهره می برد. و در هر سخن یا بیان به کلام الله مجید تکیه کند. صدوق در امالی از ابوذکوان از ابراهیم بن ابی العباس نقل کرده که می گفت: ندیدم چیزی را از امام رضا علیه السلام بپرسند که جوابش را نداند؛ بلکه جواب همه چیز را می دانست و نیز دانایتر از او به زمان خویش را هرگز مشاهده نکردم.

مأمون پیوسته با پرسشهای گوناگون خود امام را می آزمود. اما ایشان به همه پرسشهای وی جواب می داد. تمام گفته های امام رضا علیه السلام و پاسخ های وی برگرفته از قرآن کریم بود.[6]

توصیه امام رضا(ع) به اهتمام به قرآن

قرآن کریم در بین مسلمانان آنقدر رفیع است که هیچ کس نمی تواند در برابر آن بی اهمیت باشد چه رسد به مقام منبع امامت که خود حافظ دین و حامی کتاب خداست. امام رضا علیه السلام در ابعاد گوناگون از جمله بعد اجتماعی به رهنمودهای قرآن عنایت داشته اند: حضرت از احاد ملت اسلامی خواسته تا اهمیت بیشتری به قرآن کریم داده و موارد زیر را در زندگی خود اعمال کنند.

امام رضا علیه السلام با سفارش به یاران خود از جمله ریان به وی فرمود: کلام الله لا تجاوزه و لا تطلبوا الهدی فی غیره فتضلوا؛ قرآن سخن خداست، از مرز او تجاوز نکنید و هدایت را جز در پرتو قرآن نجوید و در غیر این صورت گمراه خواهید شد.[7]

تلاوت کتاب خدا

شیخ صدوق در کتاب عیون اخبار الرضا به سند خود از حضرت امام رضا علیه السلام پدران خود از رسول خدا نقل کرده که پیامبر6 فرمود: شش چیز از مروت و جوانمردی است، سه کار در حضر و سه نوع رفتار در سفر. اما در وطن، اول، تلاوت کلام الله مجید؛ و دوم، آباد کردن مساجد؛ و سوم، اتحاد برادران در راه خدمت به جامعه. و اما آن سه امر که در سفر است: اول، زاد و توشه را بی دریغ در اختیار همسفران گذاشتن؛ و دوم، حسن خلق؛ و سوم، مزاح و شوخی بدون آمیختن با هیبت.[8]

قرائت قرآن با صوت و ترتیل

قرآن زیبا است و هرچه به زیبایی اش کمک کند، بسیار پسندیده است. از جمله این که قرآن را باید با صدای رسا و صوت حسن قرائت نمود.

امام رضا علیه السلام از پدران خود از رسول خدا6 نقل می کند: حَسَنُوا الْقُرْآنَ بِأَصْوَاتِكُمْ، فَإِنَّ الصَّوْتَ الْحَسَنَ يَزِيدُ الْقُرْآنَ حَسَنًا؛ قرآن را با صوت نیکو زینت دهید، زیرا که صدای نیکو بر زیبایی قرآن می افزاید.[9]

قرائت قرآن در ماه رمضان

محدث نوری از کتاب فقه الرضا در باب روزه آورده است که امام رضا علیه السلام فرمود: و أَكْثَرُ فِي هَذَا الشَّهْرِ الْمُبَارَكِ مِنْ قِرَاءَةِ الْقُرْآنِ وَالصَّلَاةِ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ؛ در این ماه شریف قرآن زیاد بخوان و فراوان بر رسول خدا صلوات و درود بفرست.[10]

همچنین از پدران خود از علیعلیه السلام از رسول خدا نقل می کند که فرمود: مَنْ تَلَا فِيهِ (شهر رمضان) آيَةً مِنَ الْقُرْآنِ، كَانَ لَهُ مِثْلُ أَجْرِ مَنْ خَتَمَ الْقُرْآنَ فِي غَيْرِهِ مِنَ الشُّهُورِ؛ کسی که یک آیه از قرآن در ماه رمضان بخواند مانند یک ختم قرآن است در ماه های دیگر.[11]

ختم قرآن در مکه مکرمه

علامه محدث نوری در کتاب مستدرک آورده که در برخی از نسخه های فقه رضوی از امام رضا علیه السلام آمده است که فرمود: فَإِنَّ قُدْرَتَ أَنْ لَا تَخْرُجَ مِنْ مَكَّةَ حَتَّى تَخْتِمَ الْقُرْآنَ فَافْعَلْ فَإِنَّهُ يَسْتَحِبُّ؛ اگر می توانی از مکه خارج نشوی تا قرآن را در آنجا ختم کنی، این کار را انجام بده؛ زیرا بسیار شایسته است. و این کار، یکی از مستحبات می باشد.[12]

رهنمودهای اخلاقی

امام رضا علیه السلام با الهام از کتاب خدا، درسهای اخلاقی خود را برای جامعه اسلام بویژه به منتسبان به اهل بیت بیان می فرمود.

امامعلیه السلام با بیان آیات مربوطه به دیگران گوش زد می کرد که هرگز انتساب به پیامبر یا امام بدون توجه به عمل و پیروی از خدا باعث نجات انسان نخواهد بود. فریب برخی از گفتارها را نخورده و راه صلاح را در پیش گیرند.

گفت و گو با زید بن موسی

صدوق در عیون به سند خود از یاسر خادم نقل کرده: در زمانی که امام رضا علیه السلامدر خراسان بود برادرش زید بن موسی در مدینه شورش کرد و دست به آتش سوزی و ویرانی و کشتار زد. بدین جهت او را زیدالتار می گفتند.

مأمون عباسی دستور جلب او را صادر کرده بدین جهت زید را اسیر و به سوی مأمون بردند. مأمون گفت: زید را به نزد امام رضا ببرند.

یاسر گوید: وقتی زید را به نزد امام وارد کردند، حضرت به او فرمود: ای زید! ایا گفتار فرومایگان اهل کوفه تو را فریب داده که

فاطمه دامان خود را پاک نگه داشت پس خداوند آتش را بر ذریه اش حرام کرد.

خیر چنین نیست. این گفتار فقط درباره امام حسن و امام حسین 8 است. پس اگر در خود می بینی که گناه کنی و به سوی بهشت وارد شوی و (پدرت) موسی بن جعفر خدا را اطاعت کند و داخل بهشت شود، پس تو نزد خداوند عزیزتر هستی، بدان که هیچ کس به آنچه که نزد خداوند است نمی رسد، مگر به اطاعت و پیروی از ذات حق. و اگر چنین گمانی کرده ای که با گناه و معصیت می توانی به آنها برسی زهی خیال باطل و سخت در اشتباه هستی.

زید گفت: من برادر تو و فرزند پدرت هستم؟!

امام رضا علیه السلام فرمود: تا زمانی برادر من می باشی که از خداوند اطاعت و فرمان ببری. بدان که نوح پیامبر فرمود: (رب إن ابنی من أهلی و إن وعدک الحق و أنت أحکم الحاکمین، فقال الله عزوجل: یا نوح إنه لیس من اهلک إنه عمل غیر صالح) [13] پروردگارا! پسر من از خاندان من است و وعده تو (در مورد نجات خاندانم) حق است و تو از همه حکم کنندگان برتری. خداوند فرمود: ای نوح! او از اهل تو نیست او عمل غیر صالحی است.

پس خداوند فرزند نوح را به دلیل گناه و معصیت از خاندان نوح بیرون شمرد. [14]

دقت در عمل به قرآن

محمد بن یحیی بن اُبی عباد از عموی خود نقل کرده که از امام رضا علیه السلام چند بیت شعری شنیدم با اینکه سروده ها بسیار کم بود. آن حضرت فرمود:

کلّنا تأمل مدّاً فی الأجل

والمنايا هنّ آفات الأجل

لا تغرّک أباطیل المنی

والزم القصد و دع عنک العلل

إثما دنیا کظّل زائل

حلّ فیها راکب ثمّ رجل

همه ما مردم آرزوی طول عمر را داریم، در حالی که مرگ آفت های آرزوها می باشد. پس آرزوهای باطل تو را فریب ندهند، و مواظب پیمودن راه باش و بهانه جویی ها را کنار بگذار؛ بدانکه دنیا همانند سایه از بین رفتنی است، همانند سواری است که برای لحظاتی توقف کند و سپس آنجا را ترک گوید.

گوید: عرض کردم، خداوند شما را عزیز بدارد، این اشعار از کیست؟

امام فرمود: سروده یکی از شما عراقیان است.

عرض کردم: این اشعار را از زبان ابوالعتاهیه [15] شنیدم.

حضرت فرمود: نامش را بگو و این لقب را بر زبان جاری نکن، خداوند می فرماید: (ولاتنابزوا بالالقاب) [16] ؛ با القاب زشت و ناپسند یکدیگر را یاد نکنید.

شاید این مرد از این لقب خوشش نیاید. [17 علیه السلام]

معروف این است که ابوالعتاهیه به مرد کم عقل و گمراه و احمق می گویند و مقصود امام این بود که اکتفا به نام شاعر و سراینده کن و هرگز از لقبی که کسی کراهت دارد، استفاده نکن؛ چون مصداق فرمایش خدا که می فرماید بالالقاب زشت یکدیگر

را یاد نکنید، خواهی بود.

برخورد کریمانه

نویسنده تفسیر عیاشی در تفسیر خود از صفوان نقل می کند: از امام رضا(ع) اجازه گرفتم تا محمد بن خالد به محضر او شرفیاب شود. ضمناً به آن حضرت گفتم که او دست از گفته های قبلی خود برداشته و اظهار می دارد که منظورم از این ملاقات پیروی از امام است.

امام رضا(ع) فرمود: او را بیاور. وقتی که فرزند خالد بر امام وارد شد، اظهار داشت: فدایت شوم! بر گذشته پشیمانم و بر نفس خود ظلم کردم.

او به امام عرض کرد: من از گذشته خود استغفار می کنم و دوست دارم عذر مرا بپذیری و گذشته مرا عفو کنی. امام فرمود: آری، می پذیرم؛ زیرا اگر نپذیرم، این کار به معنای از بین بردن زحمات این و یارانش است (و سپس به صفوان اشاره کرد) و همچنین این کار مصداق گفته مخالفین است و خداوند به پیامبرش فرمود:

(فَإِذَا رَحِمَةُ اللَّهِ لَيْتَ لَهُمْ وَ لَوْ كُنْتَ فَظًا غَلِظَ الْقَلْبُ لَا تُقْضَوُا مِنْ حَوْلِكَ فَأَعْفُ عَنْهُمْ وَ اسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَ شَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ)؛ [18] به برکت رحمت الهی نرم و و مهربان شدی و اگر خشن و سنگدل بودی، از اطراف تو پراکنده می شدند.

سپس از حال پدرش پرسید. پاسخ داد که پدرم از دنیا رفته است. حضرت برای او نیز استغفار کرد.

منظور حضرت امام رضا(ع) این بود که اگر عذر تو را نپذیرم، گفته های صفوان درباره ما از بین خواهد رفت و این دستاویزی برای مخالفین ما نیز خواهد بود و خواهند گفت که چرا امام شما عذر یک نفر را نپذیرفت.

گمانت را به خدا نیکو کن

محدث قمی در منتهی الامال می نویسد: احمد بن عمر بن ابی شعبه جبلی و حسین بن یزید معروف به نوفلی گویند که بر حضرت امام رضا وارد شدیم و به او عرض کردیم: ما در گذشته در وسعت رزق و فراخی زندگی بودیم، لیک حال ما دگرگون گشت (یعنی فقیر شدیم). دعا کن که خداوند حالت قبل را به ما برگرداند.

امام در پاسخ فرمود: می خواهید چگونه باشید؟ آیا می خواهید همانند پادشاهان باشید؟ آیا خوشحال خواهید بود که حالتان همانند طاهر و هرثمه [19] باشد؛ اما از نظر عقیده بر خلاف آن باشید که هم اکنون هستید؟

عرض کردیم: نه به خدا سوگند هرگز چنین حالتی ما را خوشحال نخواهد کرد، گر چه دنیا و آنچه طلا و نقره در آن است، برای ما باشد.

حضرت فرمود: حق تعالی می فرماید: (اعْمَلُوا آلَ دَاوُودَ شُكْرًا وَ قَلِيلٌ مِنْ عِبَادِيَ الشَّكُورُ)؛ [20] آن گاه فرمود: ظن و گمانت را به خدا نیکو کن، و هر که گمانش به خدا نیکو باشد، خداوند نزد گمانش است. و آنکه به روزی کم راضی شد، خدا از او عمل کم را قبول می فرماید، و کسی که از حلال به کم راضی شد مثونه اش هم سبک خواهد شد، و اهل بیت او با نشاط و باطراوت خواهند بود، و خداوند او را به درد و درمان دنیا بینا می کند او را از دنیا به سلامت به سوی دار السلام بیرون می برد. [21]

استدلال های فقهی

پیش از ولادت امام رضا(ع) امام موسی بن جعفر(ع) درباره اش فرمود که امام صادق(ع) درباره او گفته: وی عالم آل محمد است.

ابوالصلت گوید: محمد بن اسحاق بن موسی بن جعفر از پدرش نقل کرده که می گفت پدرم موسی بن جعفر به پسران خود می فرمود: ای فرزندان من، برادر شما علی بن موسی عالم آل محمد است، از او معالم دین خود را سؤال کنید و سخنان او را حفظ کنید. همانا من بارها از پدرم جعفر بن محمد شنیدم که به من می گفت: عالم آل محمد در صلب تو است و ای کاش او را درک می کردم. [22]

آری، امام رضا(ع) در همه ابعاد، عالم آل محمد بودند؛ چرا که او بزرگ ترین مرجع و پناه علمی تمام علما و فقهای زمان خود بود و همان گونه که گفته شد، تکیه گاه امام رضا(ع) قرآن کریم بوده، بدین معنی که به هر حکمی از احکام فقهی که اشاره می فرمود به دلیل آن یعنی کتاب خدا استناد و استدلال می کرد.

مرحوم شیخ حرّ عاملی در کتاب شریف وسائل الشیعه به این موارد اشاره کرده که به بخشی از این استدلال ها بسنده می کنیم:

1. درباره تحریم آواز، به این آیه استدلال می فرمود: (وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَ يَتَّخِذَهَا هُزُوًا أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُهِينٌ) [23]

2. درباره حرمت استفاده از اموال ایتام، به آیه شریفه: (وَلِيَحْشَ الَّذِينَ لَوْ تَرَكُوا مِنْ خَلْفِهِمْ ذَرْبَةً ضِيعًا خَافُوا عَلَيْهِمْ فَلْيَتَّقُوا اللَّهَ) [24]

3. درباره جواز استفاده پدر از اموال فرزند بدون اذن او، به آیه شریفه (يَهَبُ لِمَنْ يَشَاءُ إِنَاءًا وَ يَهَبُ لِمَنْ يَشَاءُ الذَّكُورَ) [25]

4. درباره جواز قبول ولایت از سوی حاکم جائز در حالت ضرورت، به آیه (اجْعَلْنِي عَلَى خَزَائِنِ الْأَرْضِ إِنِّي حَفِيظٌ عَلِيمٌ) [26]

5. درباره علت تحریم تعلیم سحر و اجرت گرفتن در برابر آن به آیه شریفه (وَ مَا هُمْ بِضَارِّينَ بِهِ مِنْ أَحَدٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ) [27]

6. به وجوب یقین به خدا در رساندن روزی، به آیه شریفه (وَ كَانَ تَحْتَهُ كَنْزٌ لَهُمَا) [28]

7. درباره استحابت عفو و بخشش از دیگری به آیه شریفه (فَاصْصَحْ الصَّصْحَ الْجَمِيلَ) [29]

8. در وجوب حج فقط برای یک مرتبه به آیه شریفه (فَلَوْ لَا تَفَرَّقَ مِنْ كُلِّ بَرَقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَ لِيُنْذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ) [30]

9. درباره استحباب گرفتن سه روز روزه در هر ماه به آیه شریفه (مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا) [31]

10. در استحباب دادن صدقه از سوی طفل که او به دست خود صدقه بدهد، به آیه شریفه (فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ وَ مَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ) [32]

11. در عدم جواز مشارکت دادن دیگری در وضو گرفتن در صورت عدم ضرورت، به آیه شریفه (فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَ لَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا) [33]

12. درباره علت وجوب قضا و كفاره روزه اگر بیمار در بین دو رمضان خوب شد و روزه نگیرد، به آیه شریفه (فَصِيَامُ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَتِمَّاسَا فَمَنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فِطْعَامُ سِتِّينَ مِسْكِيًا ...) [34]

13. درباره علت اینکه خمس پیامبر به امامان می رسد، به آیه شریفه (وَ اعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَ لِلرَّسُولِ وَ لِذِي الْقُرْبَى) [35]

14. در بیان علت وجوب تکبیر در نماز عید، به آیه شریفه (وَ لِيُكَبِّرُوا اللَّهَ عَلَى مَا هَدَاكُمْ وَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ) [36]

15. درباره علت وجوب تحریم صدقه واجب بر اهل بیت به آیه شریفه (إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَ الْمَسَاكِينِ) [37]

16. در بیان علت وجوب زکات به آیه شریفه (لَتُبْلَوْنَ فِي أَمْوَالِكُمْ وَ أَنْفُسِكُمْ) [38]

البته ما در اینجا برای اختصار به وجه استدلال امام رضا اشاره نکردیم و خواننده در صورت تمایل می تواند به منبع استفاده مراجعه بفرماید.

پاسخ های قرآنی

امام رضا(ع) در طول زندگی پربرتکث با افراد و چهره های منفی و مثبتی رو به رو شده و با هر یک به فراخور حالش سخن گفته، و در برابر اظهار علاقه یا جسارت و بی ادبی آنها با رعایت آداب الهی و رهنمودهای قرآنی، کریمانه برخورد می کرد.

در نمونه های زیر دقت فرمایید:

1. روشن کردن ابهامات برای بزنتی

حمیری در قرب الاسناد از فرزند عیسی از بزنتی نقل کرده که به امام رضا(ع) نوشتم: من فردی از اهل کوفه هستم و خود و خانواده ام؛ با اطاعت شما به خدای متعال تقرب می جویم، بسیار اشتیاق دارم به ملاقات شما بیایم تا برخی از مسائل دین را از محضرتان بپرسم. ضمناً برخی شنیده ها وجود دارد که گروهی آنها را از شما برای ما نقل کرده اند؛ همان افرادی که گمان کرده اند پدرت هنوز زنده است و نیز گمان کرده اند که برخی از پاسخ های شما به آنها، برخلاف گفته پدرانته بوده است.

امام در پاسخ نامه اش چنین نوشت: به نام خدا. نامه ات را به من رساندند، در نامه نوشته بودی که دوست داری به ملاقات من بیایی تا برخی از مسائل برایت روشن گردد. آری باید خودت بیایی تا پاره ای از مسائل را از نزدیک با تو در میان بگذارم. اما اینکه که گفته شده: چیزهایی از من برایت نقل کرده اند که برخلاف آن است که از پدرانم رسیده، قسم به جانم که جز خدا، کران و کوران را نخواهند شنوند و هدایت نخواهد کرد.

خدای می فرماید: (مَنْ يُرِدْ أَنْ يُضِلَّهُ يَجْعَلْ صَدْرَهُ ضَيِّقًا حَرَجًا كَأْتُمَا يَصْعَدُ فِي السَّمَاءِ كَذَلِكَ يَجْعَلُ اللَّهُ الرِّجْسَ عَلَى الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ.) [39] إِنَّكَ لَا تَهْدِي مَنْ أَحْبَبْتَ وَ لَكِنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَ هُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ.) [40] آن کس را که خدا بخواهد هدایت کند، سینه اش را برای پذیرش اسلام گشاده می سازد و آن کس را که به سبب اعمال خلافش بخواهد گمراه سازد، سینه اش را آن چنان تنگ می کند که گویا می خواهد به آسمان بالا برود. این گونه خداوند پلیدی را بر افرادی که ایمان نمی آوردند، قرار می دهد. و فرمود: تو نمی توانی کسی را که دوست داری، هدایت کنی، ولی خداوند هر کس را که بخواهد هدایت می کند و او به هدایت یافتگان آگاه تر است.

آنگاه امام رضا(ع) در نامه خود، به برخی اتهامات که مخالفان امام یعنی واقفیان بر او وارد کرده بودند، اشاره فرمود و به علت مخالفت برخی افراد همچون ابن السراج و ابن ابی حمزه و دیگران اشاره کرد. [41]

2. پاسخ به اتهامات

صدوق در عیون و امالی از ریان نقل می کند که بر علی بن موسی الرضا(ع) وارد شدم و به او عرض کردم: ای فرزند رسول خدا، مردم می گویند: تو وارد این امر شدی، با اینکه به دنیا زهد پیشه بودی.

امام(ع) فرمود: خدا می داند که از پذیرش این امر کراهت داشتم، اما هنگامی که خود را بین کشته شدن یا قبول کردن ولایتعهدی مخیر دیدم، این امر را اختیار کردم. وای بر آنها! آیا نمی دانند وقتی که ضرورت ایجاب کرد که یوسف خزائن عزیز مصر را سرپرستی کند، به او گفت: (اجعلنی علی خزائن الارض انی حفیظ علیم). [42]؛ مرا سرپرست خزائن سرزمین (مصر) قرار ده که نگه دارنده و آگاهم. من نیز به حکم ضرورت این امر را از روی اکراه و اجبار قبول کردم. گذشته از این من در این امر داخل نشدم، مگر مانند داخل شدن کسی که می خواهد از آن خارج شود. پس به خدا شکایت می کنم که اوست یار من.

همچنین از حسن بن موسی روایت کرده که اصحاب ما از امام رضا(ع) روایت کرده اند که مردی به آن حضرت گفت: اصلحک الله! چرا به سوی این امر رفتی؟ گویا بر حضرت ایراد گرفته بود.

امام رضا(ع) به او فرمود: ای مرد، بگو بدانم کدام افضل است: پیامبر یا وصی پیامبر؟ در پاسخ گفت: پیامبر افضل است.

امام فرمود: کدام بدتر است آیا مسلمان یا مشرک؟

گفت البته مشرک بدتر است.

امام فرمود: بدان که عزیز مصر مشرک بود و حضرت یوسف پیامبر خدا، و اما مأمون مسلمان و من وصی و جانشین پیامبر، و در عین حال یوسف(ع) از عزیز مصر خواست که وی را سرپرست قرار دهد، زمانی که به وی گفت: (اجعلنی علی خزائن الارض اِنِّی حَفِیْظٌ عَلِیْمٌ)؛ و مرا مجبور کردند بر پذیرش ولایتعهدی. [43]

محقق اربلی در کشف الغمه از آبی در نثر الدرر نقل کرده که گروهی از صوفیان در خراسان بر آن حضرت وارد شدند. آنان اظهار داشتند که امیرمؤمنان مأمون نظر کرد در آنان که خداوند آنها را ولی امر قرار داده. از این رو، به شما اهل بیت نظر کرد و تو را سزاوارتر از دیگری بر مردم دانست و سپس چنین دید که خلافت را به تو واگذار کند. اما امت به فردی نیاز دارد که از غذاهای سخت استفاده کند و لباس زبر و پشمینه بپوشد و بر الاغ سوار شود و به عیادت بیماران برود.

راوی می گوید: امام رضا(ع) که در آن هنگام تکیه داده بود، با شنیدن این سخنان از جای جست و فرمود: حضرت یوسف پیامبر خدا بود، اما قبایی از دیباج که به طلا مزین بود، به تن می کرد و بر تکیه گاه های فرعونیان تکیه می زد و حکم و داوری می کرد.

(وای بر شما) مردم از امام قسط و عدل می خواهند و اینکه اگر سخنی گفت راستگو باشد و اگر حکم و داوری کرد، به عدالت رفتار نماید، اگر وعده دهد، وفا کند؛ چرا که هرگز خداوند لباس یا غذایی را بر آنان حرام نکرده. سپس این آیه کریمه را تلاوت فرمود: (قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَ الطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ) [44]؛ بگو چه کسی زینت های الهی را که برای بندگان خود آفریده و روزی های پاکیزه را حرام کرده است. [45]

4. استدلال بر فضیلت امیرمؤمنان(ع)

از جمله آیاتی که امام رضا(ع) به آنها استدلال فرموده است، آیه شریفه مباحله است. در گفتگویی که مأمون با آن حضرت درباره بزرگ ترین فضیلت امیرمؤمنان داشت، امام(ع) به همین آیه استدلال کرد.

صدوق در عیون اخبار الرضا آورده که روزی مأمون عباسی به امام رضا گفت: مرا به بزرگ ترین فضیلت امیرمؤمنان که قرآن بر آن دلالت دارد، آگاه کن.

امام(ع) فرمود: همانا آیه مباحله است. خدای جل جلاله فرمود: (فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ.. [46]؛ پس رسول خدا(ص) امام حسن(ع) و امام حسین(ع) را برای مباحله دعوت کرد که هر دوی آنها فرزندان او بودند و همچنین فاطمه را دعوت کرد که در آن هنگام وی جزء زنان مورد اشاره آیه بود، و نیز امیرمؤمنان را فرا خواند که به حکم آیه شریفه، نفس رسول خدا به شمار می رفت.

پس ثابت شد که هیچ یک از بندگان خدا والاتر از رسول خدا و افضل از او نبوده اند و همچنین لازم آمده که احدی افضل از نفس رسول خدا که علی بود، به دلالت آیه شریفه وجود نداشته باشد.

مأمون گفت: این استدلال درباره امام حسن(ع) و امام حسین(ع) و فاطمه 3 صحیح است، اما درباره علی(ع) درست نیست؛ چون ممکن است رسول خدا شخص خود را در حقیقت گفته باشد، نه فرد دیگری را. پس آیه فضیلتی برای امیرمؤمنان نخواهد بود.

امام رضا(ع) در پاسخ فرمود: این سخن صحیح نیست؛ چرا که شخص دعوت کننده همواره غیر از خود را دعوت می کند، نه خود را. همان طور که فرد دستور دهنده، همیشه به دیگری امر می کند نه به خود. [پس این که حضرت فرمود: (قُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَ أَبْنَاءَكُمْ وَ نِسَاءَنَا وَ نِسَاءَكُمْ وَ أَنْفُسَنَا..)؛ به این معنی نیست که خودمان را دعوت کنیم] و وقتی که رسول خدا فردی غیر از امیرمؤمنان را در مباحله فرخواند، ثابت می شود که علی همان نفس پیامبر است که خداوند در قرآن به آن اشاره کرده است.

مأمون که از پاسخ امام رضا(ع) شگفت زده شده بود، گفت وقتی که جواب آمد، سؤال جایگاه خود را از دست می دهد. [47]

پی نوشتها:

1. امالی صدوق، ص 660؛ بحارالانوار، ج 49، ص 90.

2. عیون اخبار الرضا، ج 2، ص 182؛ بحارالانوار، ج 49، ص 94.

3. امالی شیخ طوسی، ص 359؛ بحارالانوار، ج 49، ص 238.
4. بحارالانوار، ج 49، ص 94.
5. عیون اخبار الرضا، ج 2، ص 180؛ بحارالانوار، ج 49، ص 94.
6. امالی صدوق، ص 660؛ بحارالانوار، ج 49، ص 90.
7. همان، ص 326.
8. قرآن در احادیث اسلامی، ص 59.
9. عیون اخبار الرضا، ج 2، ص 69.
10. مستدرک الوسائل، ج 4، ص 267.
11. فضائل الاشرع الثلاثة، ص علیه السلام 7.
12. مستدرک الوسائل، ج 1، ص 294.
13. هود / 44.
14. عیون اخبار الرضا، ج 2، ص 234.
15. نام این سراینده و شاعر اسماعیل بن قاسم، شاعر معروفی است.
16. حجرات / 11.
17. منتهی الامال، ج 2، ص 280؛ بحارالانوار، ج 41، ص 107.
- [18]. تفسیر عیاشی، ج 1، ص 203.
- [19]. دو نفر از کارگزاران مأمون عباسی بودند.
- [20]. سبا / 13.
- [21]. منتهی الامال، ج 2، ص 280.
- [22]. منتهی الامال ج 2، ص 260؛ اعلام الهدی، ص 328.
- [23]. وسائل الشیعه، ج 12، ص 230.
- [24]. همان، ص 181.
- [25]. همان، ص 197.
- [26]. همان، ص 150 و 147.
- [27]. همان، ص 107.

[28]. همان، ج 11، ص 159.

[29]. همان، ج 8، ص 519.

[30]. همان، ص 7.

[31]. همان، ج 7، ص 306.

[32]. وسائل الشيعه، ج 6، ص 261.

[33]. همان، ج 1، ص 335.

[34]. وسائل الشيعه، ج 7، ص 246.

[35]. همان، ج 6، ص 359.

[36]. همان، ج 5، ص 105.

[37]. همان، ج 6، ص 359 و 360.

[38]. همان، ج 6، ص 5.

[39]. انعام / 125.

[40]. قصص / 56.

[41]. قرب الاسناد، ص 152؛ بحار الانوار، ج 49، ص 295.

[42]. عيون الاخبار الرضا، ج 2، ص 139؛ علل الشرايع، ج 2، ص 227.

[43]. عيون الاخبار الرضا، ج 2، ص 138.

[44]. سوره اعراف، آیه 32.

[45]. كشف الغمه، ج 2، ص 310.

[46]. آل عمران / 61.

[47]. الفصول المختاره، ص 38؛ بحار الانوار، ج 49، ص 188.